

### روش شناسی بحث در حقیقت پیامبری

سخن درباره روشی بود که با آن می توان در باره حقیقت نبوت به شناخت دست یافت. سخن به روش نقلی رسید و این سوال مطرح شد که روش نقلی در شناخت حقیقت پیامبری چگونه است؟ گفته شد در این مساله روش نقلی هم جواب گو نیست، زیرا اصولا در مسائل مربوط به نبوت عامه که عبارتند از: حقیقت و چیستی پیامبری، ضرورت پیامبری، صفات و ویژگی های پیامبری و ... روش نقلی غیر معصوم جواب گو نیست، اما در مورد نبوت خاصه که مصداق شناسی پیامبر است و مشخص می کند مدعی نبوت کیست و اینکه برنامه پیشنهادی او چه است، نقل متعارف با شرایطش می تواند راهگشا باشد.

در مورد بحث نبوت خاصه که اثبات مصادیق نبی است چند راه بیان شده است: یکی از آنها راه نص است که از طریق کسی که قبلا پیامبری و عصمت او ثابت شده است، بیان شود. راه دوم معجزه است که کار خارق العاده ای انجام دهد تا صدق دعوی او اثبات شود. و سوم راه قرائن و شواهد نقلی و حسی است. اکنون سوال این است که استدلال به قوائن و شواهد آیا روش عقلی است یا نقلی؟ پاسخ، روش عقلی است، منتها روش عقلی گاه محض است و آن وقتی است که دو مقدمه استدلال هر دو عقلی باشد و گاه عقلی تجربی است و آن وقتی است که مقدمه اول گزینه تجربی باشد و گاه عقلی نقلی است و آن وقتی است که مقدمه اول استدلال نقلی باشد. مثلا برهان نظم که برای اثبات وجود خداوند اقامه می شود، عقلی محض نیست، زیرا مقدمه اول آن حسی و تجربی است. حاکم بودن نظم در عالم امری حسی است و این مقدمه که نظم نیازمند ناظم است عقلی است.

ملاک و معیار اینکه آیا استدلالی عقلی است یا نقلی یا تجربی، مقدمه کبری آن است. نمونه قضیه نقلی از این قرار است: این فرد دختر این خانواده است که قرار است ارثیه در میان آنان تقسیم شود. قرآن می فرماید: «لذكر مثل حظ الانثيين». بنابراین سهم او از ارث، نصف سهم مرد است.

گونه دوم نقل، نقل معصوم است. آیا نقل فرد معصوم در شناخت حقیقت نبوت راهگشا است یا نه، و اگر هست چه مقدار راهگشا است؟ اگر ما از طریق عصمت بخواهیم وارد بحث شویم، ابتدا چند گزاره باید اثبات شود تا به نقل معصوم برسیم:

۱. اثبات وجود خداوند
۲. اثبات اینکه خداوند دارای صفات جمال و کمال است.
۳. اثبات ضرورت نبوت.
۴. اثبات شخص نبی
۵. اثبات ضرورت عصمت.

وقتی این گزاره ها ثابت شد معلوم می شود که این فرد نبی و معصوم است و کلام نبی خالی از خطا و اشتباه است، و این گونه ثابت می شود که آنچه وی می گوید صحیح است.

تا اینجا روش شد که مساله اصلی در مساله فهم حقیقت نبوت به دست عقل است. و حتی اگر از وحی و نقل معصوم هم بخواهیم استفاده کنیم باز باید به سراغ عقل رویم. بنابراین این سخن درست است که گفته اند: عقل تکیه گاه همه مباحث معرفتی است. روش تجربی تکیه گاهش اصول عقلی مانند اصل تناقض و سنخیت است. در راه نقلی نیز همین گونه است. راه شهود نیز بر عقل تکیه دارد. مرحوم لاهیجی در کتاب گوهر مراد در این باره می فرماید: «و بیاید دانست که آدمی را به خدای تعالی دو راه است: یکی راه ظاهر و دیگری راه باطن. لیکن راه باطن راهی است که از آن به خدا توان رسید و راه ظاهر راهی است که به او خدای را توان دانست، و از دانستن راه بسیار است تا به رسیدن. و اینکه اشاره به صعوبت آن شد راه باطن است و در راه ظاهر چندان صعوبت نیست، چه راه ظاهر راه استدلال است و استدلال مقدور هر عاقلی است که از آثار پی به مؤثرات برد. و راه استدلال مقدم است بر راه سلوک، چه تا کسی نداند که منزلی هست، طلب راهی که به منزل برد نتواند کرد»<sup>۱</sup>.

آیت الله جوادی نیز در کتاب تفسیر موضوعی با عنوان معرفت شناسی به بررسی این سوال می پردازند که طریق سیر و سلوک غیر معصوم چقدر اعتبار دارد؟ ایشان بیان می کند چه بسا علم حضوری در معرض خطا واقع می شود. ایشان برای حل این مساله دو مقیاس می دهند: یکی اصول قطعی عقل است که نباید معارض با آنها باشد. دوم اینکه با شهود معصوم نیز نباید معارض باشد.

در مورد راه عقل نیز باید دانست که عقل که برترین مخلوق الهی است غیر از فکر است. فکر آن گاه که بر اساس معیارهای فطرت انسانی حرکت کند می شود عقل. مارکس وبر مساله عقل مدرن و معاش را مطرح کرد، به این معنا که چگونه زندگی کنیم تا لذت بیشتری ببریم. این همان عقلی که در تفکر اومانیسم مطرح است، اما عقلی که در تفکر اسلامی مطرح است همان است که به فرموده امام صادق (ع)، «ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان» است. خیلی از چیزهایی که فکر می کنم عقلانی است وهم است منتها به نام عقل فروخته و عرضه می شود. متأسفانه جامعه بشری غرق در وهمیات است اما اسم آن را عقل می گذارد.

مساله باقی مانده این است که دلیل عقلی در بحث ما دو رکن و پایه دارد: یک رکن آن خداشناسی و رکن دیگر انسان شناسی است، یعنی ما با یک شناخت از انسان و یک شناخت از خداوند می توانیم استدلال کنیم که نبوت واجب است یا نه و یا سایر مسائل دیگر. انشاء الله این بحث در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد